

نویسنده : Massoumeh Torfeh

Guardian .co.uk , Wednesday October 08-2008

برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام (مل)

## با طالبان نباید مذاکره کرد

درسال (۲۰۰۱) جامعه بین المللی بمنظور آزاد ساختن افغانستان از تسلط طالبان با اجرای عملیات گسترده نظامی و با تعهد اعمار مجدد و تامین واعاده دموکراسی داخل قلمرو افغانستان شدند ، واز مدت هفت سال بدین طرف با طالبان در مذاکرات را باز گذاشته اند ویا اینکه باهم پیهم مذاکره مینمایند .

تفصیل این مذاکرات و گفت و گوها را « جاسن بورک » در اخبار پر تیراژ ابزرور ماه گذشته افشا نمود ، اوچنین ابراز نظر وافاده نمود که باب مذاکره با طالبان توسط مشاورانیت ملی حکومت کابل جناب زلمی رسول باز گردید که منابع فرانسوی ( م ۱۶ ) ، وزارت امور خارجه بریتا نیا وپادشاه سعودی قبل از آغاز مذاکره با طالبان مطلع بوده اند ، این مطلب را یک شخص با اعتماد که از ذکر نام خود خودداری نمود اظهار نموده است.

سپس هفته نامه ای فرانسوی چنین تبصره نمود که سفیر بریتا نیا در کابل جناب «شیراد کورپرکولس» اظهار نمود که یک دیکتاتور باید در افغانستان بقدرت آید وجلو تمام امور را بدست خویش گیرد ،گزارش همچنان می افزاید که نماینده خاص ملل متحد در کابل آقای «کای اید» شهروند کشور ناروی نیز از مذاکرات طرفین حمایت خویش را ابراز نموده وصریحاً یاد آورشد که نماینده گان طالبان باید داخل کابینه گردند ، زیرا طالبان در اوضاع امروزی دست بالا دارند و برعلاوه از درخواست مطالبات یازدهگانه ، خواهان شمولیت در کابینه را نیز میباشند .

با وجود تمام اظهارات فوق باید یادآور شد که این نوع اقدامات نتایج تلخ و ویرانگرانه و تاراج کننده را به افغانستان بار خواهد آورد و جامعه بین المللی را با وعده ها و تعهدات قبلی اش کاملاً بی اعتبار خواهد ساخت ، این نوع یاد آوریها و افاده ها توسط بعضی از حامیان بلند پایه بین المللی و طرفداران تحقق دموکراسی طوری افاده میگردد که دیگر دموکراسی مورد پذیرش قاطبه مردم افغانستان قرار نخواهد گرفت و یا اینکه این نوع دموکراسی به هیچ وجه قابل قبول مردم افغانستان نخواهد بود . درینجا چنین تصور در ذهن انسان تداعی میگردد که اگر گفته شود که چرا ایالات متحده امریکا با القاعده داخل مذاکره نمیشود و برخی از نماینده گان بلند پایه آنها را در قدرت سهم نمیدهد و یا آنها را در پست های کلیدی نمی گمارد ؟ آیا کسی خواهد بود که جرأت بیان این مطلب را به امریکایی ها بنماید ؟ پس چطور جامعه بین المللی بخود حق میدهند که این سناریو را برای افغانستان پیشکش مینمایند ؟ آیا دنیا فراموش کرده که طالبان و متحدین آنها در مدت زمان این شش هفت سال چه بود که بالای مردم ستم دیده افغان نکردند ، آنها کشور را مبدل به مخروبه نمودند ، ملیت ها را تحقیر ، توهین ، مجازات وعده ای کثیری از مردم اعم از زن و مرد و جوان را سر به نیست کردند و یا زجر و شکنجه دادند ، پس در اینجا چنین سوالی به ذهن انسان خطور میکند که چرا نیرومندترین قوایی نظامی دنیا در افغانستان قادر نیست و یا نمیخواهد که چند هزار طالب سرکش جنگی و خراب کار را از بین ببرند ؟ چرا با رسوخ ترین مدعیان طرفدار صلح و دموکراسی جهان از مفکوره و تامين صلح و عدالت اجتماعی در کشور بلا کشیده افغانستان طفره میروند و یا اغماض مینمایند ؟ شما باید به هیچ وجه مدعی آن نه گردید که در افغانستان چنان رژیم را مسلط نماید که در کابینه آن طالبان عضویت داشته باشد و در پست های کلیدی تکیه نموده و بالای مردم افغانستان حکم روایی کنند ، حرف بد تر از همه اینکه یکی از میانجیگران به اصطلاح عمده بین طالبان و حکومت کابل بدنامترین و رسواترین شخص که شهر کابل را در مدت بیشتر از ده سال بافیر راکتهای کور به ویرانه و مخروبه مبدل نمود ، آقای گلبدالدین حکمتیار است ، شخصی که مسؤول تمام وضع ناهنجار فعلی کشورش میباشد و با صدها و هزاران طرفدارانش زمینه ورود طالبان را مساعد ساخت آستین بالا زده مشتاق آنست که باز داخل کابل شود و وضع را بیشتر شعله ور سازد ، گرچه یکی از حامیان و طرفدارانش همین اکنون در کابینه حضور دارد و در زد و بند با طالبان برای آنها خواهان گرفتن پست های کلیدی میباشد .

بخاطر باید داشت که از مطالبات آنها هیچ وقت کاسته نخواهد شد و از عمل بالمثل بمنظور دریافت قدرت کنار نخواهند رفت .

لازم به یادآوری است که چرا مردم و جوانان کشور به صف طالبان میپیوندند ؟ علل آنرا بیکاری ، فقر ، ناباوری و ناامیدی تشکیل میدهد و از طرفی هم تجارت پردرآمد تریاک و قاچاق مواد مخدر که از طرف طالبان تبلیغ میگردد ، این زمینه را مساعد ساخته که جوقه جوقه مردم به صفوف طالبان بپیوندند ، زیرا یگانه منبع پر درآمد طالبان کشت ، تجارت و قاچاق مواد مخدر میباشد . درین جا سوال مطرح میگردد که چرا جامعه بین المللی برای گروه بیکاران در صد کاریابی نمی باشند و یا چرا در پی طرد تجارت و قاچاق مواد مخدر اقدام نمینماید ، و تولید تریاک را مهار نمیکند ؟

گروه بحران بین الملل در ماه جولای امسال طوری وانمود ساختند که طالبان توان و قدرت به اصطلاح دروغ پراگنی و تبلیغاتی را کسب نموده اند .

واز این طریق اعتبار خویش را نسبت به گذشته بلند برده که حتی با پرداخت پول ورشوه بعضی حلقات ارتباط جمعی را نیز به نفع خود بکار بسته اند ، و منحیث کل این نهاد سخن پراگنی و بعضی حلقات ارتباط جمعی به نفع طالبان مبنی بر ناسونالیست بودن شان و از بین بردن رژیم فاسد فعلی با حامیان بین المللی و غارت مال و منال مردم پیوسته در تبلیغ و سخن پراگنی اند ، ولی رژیم کابل و حامیان بین المللی حکومت کابل درین مورد هیچ اقدام چشمگیری نه نموده و یا نمی نمایند . و از طرفی درین اواخر رهبران طالبان چنین افاده مینمایند که نهادهای ارتباط جمعی برای ما کار میکنند و بدین اساس یک سر در گمی و ناباوری را در ارتباط جمعی عمداً بوجود آورده اند ، بخصوص اصطلاح بکار بردن طالبان معتدل که آگاهانه و یا نا آگاهانه از طرف بعضی حلقات و رسانه ها زمزمه میشود مردم را مشوش ساخته و به نزد مردم سوال ایجاد می گردد که کدام طالبان معتدل چرا از آنها نام برده نمیشود ، آیا همان طالبان که بت های بامیان را از بین بردند ؟ و یا همان طالبانی که صدها نظامیان بین المللی مستقر در افغانستان را سر به نیست کردند ؟ و یا آن طالبانی که در جنوب و شرق کشور به کشتن و بستن و انتحار خودی و بمب گذاری کنار شاهراه ها و جاده ها به قتل و قتل مردم مصروف اند ؟ و یا همان طالبان که همکار

تازه دم شان آقای جلال الدین حقانی مستقر در منطقه قبایلی وزیر ستان که ازمنافع طالبان  
بیدریغ پشستیبانی مینماید ؟

مردم افغانستان بارعب واضطراب از سال (۲۰۰۳) بدین طرف ناظر وضع ناهنجار و در برگشت  
دوباره طالبان زنده گی توام با یأس و ناامیدی را سپری مینمایند ودر این تشویش فرورفته اند  
که طالبان نه تنها در جنوب وشرق کشور روز به روز مسلط میگردند بلکه در شمال نیز محلات  
دلخواه خویش را به تصرف می آورند . وبا خود میگویند ترس از آن روزیکه طالبان از طریق  
انتخابات دموکراتیک حاکم بر سرنوشت شان شوند .

19.10.2008

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)